

◆ تشبیه

نشان دادن همانندی بین دو یا چند پدیده

ارکان تشبیه: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه، وجه شبه

مثال بلم آرام چون قویی سبکبال / به نرمی بر سر کاروان همی رفت
 مشبه ادات مشبه به وجه شبه
 تشبیه

الف) بليغ: حذف ادات تشبیه و وجه شبه

ب) بليغ استنادي: مشبه و مشبه به با کسره به هم اضافه نشده‌اند.

مثال علم، نور است

ج) بليغ اضافی (اضافه‌ی تشبیه‌ی): مشبه و مشبه به با کسره به هم اضافه شده‌اند.

مثال نور علم

◆ است اره

هرگاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه‌های دیگر دارد به جای آن به کار رود، است اره پدید می‌آید. به عبارت دیگر است اره همان تشبیه است که از ارکان اصلی فقط یکی باقی مانده است.

الف) است اره مصرحه: آوردن مشبه به

مثال با دیو سیزه کن **دیو** : است اره از جهل (جهل که همه‌پومن دیو.)

ب) است اره مکنیه

۱- خطاب غیرانسان (تشخیص)

مثال ای دیو سپید پای دربند

۲- به کار رفتن مضاف در غیرم نی حقیقی (اضافه‌ی است اره)

مثال پای قلم، دست روزگار، روح آسمان (مضاف را از کسی عاریه گرفته‌ایم، در واقع می‌گوییم آسمان مثل انسان (وضع دارد)

۳- آوردن مشبه به و یکی از ویژگی‌های مشبه

مثال به صحراء شدم، عشق باریده بود **عشق** مالند باران می‌باشد

نکته هر تشخیصی، است اره مکنیه است.

◆ تشخیص (جانب خشی به اشیا)

نسبت دادن عمل یا صفت یا حالتی انسانی به یک غیرانسان

مثال ط نه بر طوفان مزن، ایراد بر دریا مگیر بوسه بگرفتن ز ساحل موج را دیوانه کرد **دیوانگی و بوسه گرفتن موج**

◆ مجاز

به کار بردن واژه‌ای در غیرم نی اصلی به شرطی که نشانه‌ای آن را به م نی غیراصلی راهنمایی کند.

نکته هر است اره‌ای، مجاز نیز می‌باشد.

نکته گاهی اوقات رابطه‌ی جز به کل و یا کل به جز برقرار می‌باشد.

مثال سراسر همه دشت بریان شدند **دشت مهاز از مردم دشت**

مثال سرم را کوتاه کردم **سر مهاز از موى سر**

◆ تلمیح

اشاره به آیات، احادیث، داستان‌ها و وقایع تاریخی در ضمن ش ر یا نوشه

مثال به تولای تو در آتش محنت چو خلیل/گوییا در چمن لاله و ریحان بودم

اشاره به داستان گلستان شدن آتش بر مفترت ابراهیم

◆ کنایه

عبارتی است که دارای دو م نی دور و نزدیک است و از نظر گوینده م نی دورش مورد نظر است.

مثال روی کسی سرخ نشد بی مدد ل ل ل بیت

(روی سرخ پردازی) (روی زد شتماندگی)

◆ ایهام

به کار بردن واژه‌ای که دارای دو م نی است و هر دو م نی قابل برداشت باشد. م مولا دریافت مقصود اصلی شاعر آسان نیست و

همین موجب بازی با ذهن خواننده می‌شود.

مثال به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم/به خواب عافیت آن‌گه به بوی تو باشم

بو؛ بوی هوش امیدوار بودن

◆ تضاد

به کار رفتن دو واژه با م نای متضاد

مثال هنر خوار شد، جادوی ارجمند نهان راستی، آشکارا گزند

هلز، جادو نهان، آشکار هواز، ارجمند راست، گزند

◆ متناقض نما (پارادوکس)

نسبت دادن دو حالت یا دو ویژگی متضاد به یک پدیده

مثال دست مهربان مرگ / دولت فقر خدایا به من ارزانی دار

◆ اشتراق

استفاده از واژه‌های هم‌ریشه

مثال عشق قهار است و من مقهور عشق چون شکر شیرین شدم در شور عشق

◆ مراعات نظیر

استفاده از واژه‌های یک مجموعه که با هم تناسب دارند.

مثال بیستون بر سر راه است مباد از شیرین/خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید

◆ واج‌آرایی (نغمه‌ی حروف)

تکرار یک واج در کلمات یک مصراع یا بیت که کلام را آهنگین می‌کند

مثال بر او راست خم کرد و چپ کرد راست/خروش از خم چرخ چاچی بخاست

تکرار صفات‌های «خ» و «خ»

◆ تکرار

آوردن دو بار یا بیشتر یک کلمه

◆ تصدیر

واژه‌ای در آغاز و پایان بیت تکرار شود

مثال آدمی در عالم خاک نمی‌آید به دست عالمی دیگر بباید ساخت از نو آدمی

◆ لف و نشر

دو یا چند واژه در کنار هم در یک بخش کلام آورده شود و توضیح مربوط به آن‌ها در بخش دیگر

مثال چو فرزند و زن باشدم خون و مغز

نکته اگر ترتیب رعایت نشود، لف و نشر مشوش است.

مثال در دهن لاله باد، ریخته و بیخته مشک سیاه، ریخته در ثمین

۱ ۲ ۳

◆ حس‌آمیزی

آمیختن دو یا چند حس

مثال قیafe‌ی بامزه بینایی و چشایی / بوی تلخ بویایی و چشایی

◆ اغراق

آوردن صفات غیرم مول و محال و مناسب‌ترین اسباب برای تصویر دنیای حماسی و پرکاربر در آثار حماسی (مانند شاهنامه)

مثال خروش آمد از باره‌ی هر دو مرد/ تو گفتی بدرید دشت نبرد

◆ تمثیل

حکایاتی که نتیجه‌ی آن‌ها می‌تواند سرمشقی برای موارد مشابه باشد و به کمک آن (مثال) می‌توان مفاهیم را به روشنی منتقل کرد.

مثال مولانا برای بیان مطالب اخلاقی و عرفانی خود از تمثیل بسیار بهره گرفته است

◆ اسلوب م‌ادله

هر مصراع در تأکید مصراع دیگر، موردی نظیر آن را ارائه می‌دهد. می‌توان جای دو مصراع را عوض کرد و بین آن‌ها «مساوی/همان‌طور که/همچنان که/مانند و ...» قرار داد.

نکته نباید در ابتدای مصراع دوم حرف ربط وابستگی یا شرط وجود داشته باشد.

نکته همه‌ی اسلوب م‌ادله‌ها تمثیل نیز هستند (برعکس آن درست نیست)

مثال عشق چو آید، برد هوش دل فرزانه را/ دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را

◆ حس‌ت‌لیل

آوردن دلیل غیرواقعی و شاعرانه اما دلپذیر و قانع‌کننده

مثال تا چشم بشر نبیند روى/ بنهفته به ابر چهر دلند

مثال ۱ چه زنم نوای هر دم، ز نوای شوق او دم؟ که لسان غیب خوش‌تر بنوازد این نوا را

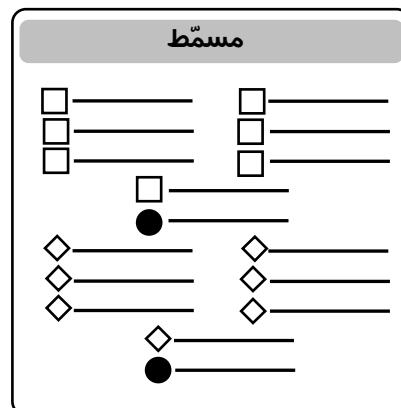
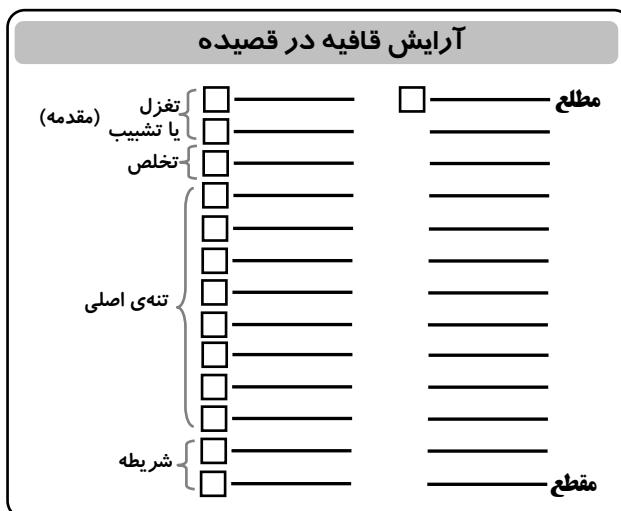
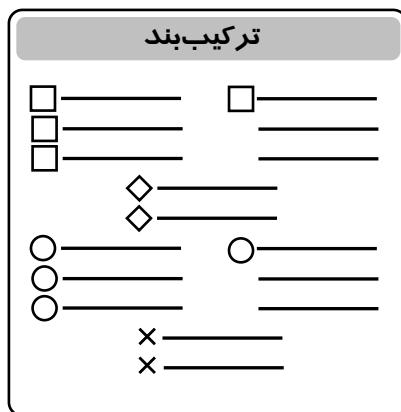
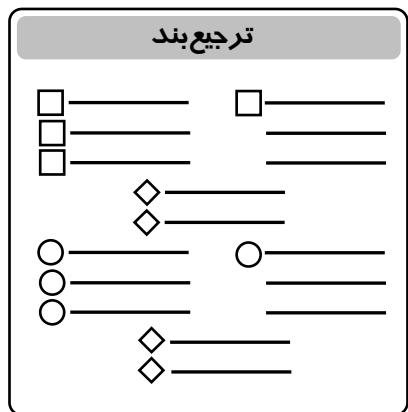
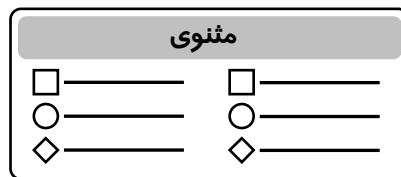
- ۱ جناس تمام؛ ده؛ لحظه ده؛ سفن
- ۲ جناس ناقص؛ نا/نوا
- ۳ مجازه ده **سفن**
- ۴ واج‌آرایی؛ تکرار صامت «ن»
- ۵ کنایه؛ ده دن **سفن گفتن**
- ۶ تشبیه؛ شاعر فود را به نی تشبیه گرده است
- ۷ تشخیص؛ سفن گفتن و ده زدن نی
- ۸ مراعات نظیر؛ نای/نها

مثال ۲ قabilian بر قامت شب می‌تندند habilian بوی قیامت می‌شنیدند

- ۱ جناس ناقص؛ habilian قabilian و قامت قیامت
- ۲ تضاد؛ habilian/قabilian
- ۳ تلمیح؛ زندگی هضرت آدم (ع)
- ۴ تشخیص؛ قامت شب
- ۵ استعاره؛ شب **دوران ستم و بیاد**
- ۶ حسن‌آمینی؛ بوی ... شلیدن
- ۷ کنایه؛ بر قامت شب من تلیدند **ستم من گردند**
- ۸ واج‌آرایی؛ صامت «ق»

مثال ۳ گویند روی سرخ تو، س دی که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم

- ۱ استعاره؛ مس **وجود بی ارش و کمال نیافته** « وجود با ارش و کمال یافته
- ۲ تشبیه؛ عشق به اکسیر
- ۳ مراعات نظیر؛ سرخ، زرد / اکسیر، زر، مس
- ۴ جناس؛ «زد» «
- ۵ تضاد؛ زر، مس / سرخ، زرد
- ۶ کنایه؛ زرد کردن **بیمار کردن** (در اینجا عاشق کردن) « شدن **به کمال (سیدن**
- ۷ لغ و نشره؛ سرخ به مس و زرد به زر مربوط می‌شود
- ۸ حسن تعلیل
- ۹ (یها)م تناسب؛ ۱) هلا روی که با (ز و مس تناسب دارد ۲) صورت و چهره



- نکته ۱** - تداد ابیات قصیده از غزل بیشتر است (قصیده: حداقل ۱۵ بیت - غزل: حداقل ۵ حداقل ۱۴ بیت).
- ۲- موضوع غزل بیان عواطف و احساسات انسانی، عشق، عرفان و گاهی مضامین اجتماعی است.
- ۳- اولین هجای دوبيتی کوتاه و اولین هجای رباعی بلند است. (وزن رباعی: لاحول و لا قوه الا بالله)
- ۴- قافیه‌ی مصراع سوم رباعی (دوبيتی) اختیاری است.

نکته ۲ هجای کوتاه: صامت+مصطفوت کوتاه (مثل با)

هجای بلند: صامت+مصطفوت بلند (مثل با)

صامت+مصطفوت کوتاه+صامت (مثل هر)

اول چند تا سوال آسان تمرین کنیدا (سوالات ۱۴)

در پرسش‌های زیر کدام آرایه ادبی و مهد ندارد؟

۱- «خیمه‌ی انس مزن بر در این کنه رباط / که اساسش همه بی موقع و بی بنیاد است»

۱) است ماره ۲) اغراق ۳) کنایه ۴) متناقض نما

۲- «ای هدهد صبا به سبا می فرستمت / بنگر که از کجا به کجا می فرستمت»

۱) تشبيه ۲) جناس ۳) تشخيص ۴) ايهام

۳- «فغان که کاسه‌ی زرین بی نیازی را / گرسنه‌چشمی ما کاسه‌ی گدایی می کرد»

۱) حسن تملیل ۲) تضاد ۳) کنایه ۴) تشبيه

۴- «با ساریان بگوئید احوال آب چشم / تا بر شتر نبندد محمل به روز باران»

۱) اغراق ۲) مراعات نظیر ۳) اسلوب م ادل ۴) مجاز

بعد هم پانوشهای مطرح شده در کنکور سراسری آشنا شویدا

۵- در بیت زیر کدام آرایه وجود ندارد؟

«رسید باد صبا غنچه در هوا داری / ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»

۱) تشخيص ۲) تلمیح ۳) کنایه ۴) است ماره

۶- در کدام بیت آرایه متناقض نما به کار رفته است؟

۱) کشته‌ی عشق وی از زنده‌ی جاوید به است درد کز وی رسدم، مایه‌ی درمان من است

۲) مُردَم از فرقت جانان و عجب نیست از آنک / زنده بی جان نتوان بودن و او جان من است

۳) پای بند سر زلفین چون زنجیر تو شد / دل دیوانه وشم چون نه به فرمان من است

۴) گر شکرخنده‌ی آن پسته‌ی شیرین نبود / به چه م لوم توان کرد که او را دهن است

۷- در کدام بیت هر سه آرایه «جناس، تشبيه، پارادوکس» موجود است؟

۱) الف قدّ تو پیش همه مقبول افتاد / این نه حرفي است که بر وی قلم رد باشد

۲) شکسته‌رنگی من عشق را به رحم آورد به زر هر آنچه برآید به زور نتوان کرد

۳) هر چه ز نیک و بد است چو همه در دست اوست بر سر من مسکین چرا خط می کشد

۴) برگ من بی برگی است و بار، بار خاطر است باد یا رب روزی برق بلا برگ و برم

سوال آخر علی رقم این که در ظاهر باید پنچ تا آرایه (که همه پرکاربرد هستند) را در چهار گزینه پرسی کنید، ولی سوال سختی نیست!

۸- در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «است ماره، تشبيه، کنایه، تضاد و مراعات نظیر» یافت می‌شود؟ (یاد ۸۶)

۱) آخر چو ره نیافت هلالی به بزم وصل محروم از جمال تو در گوشاهی نشست

۲) ای رند جرعه‌نوش تو و محنت خمار / ما و نشاط مستی عشق از می است

۳) چون ابر دید اشک من از شرم آب شد / چون برق دید آه من از انف ال جست

۴) هر کس که دل به بتی داد هم چو من / سنگی گرفت و شیشه‌ی ناموس را شکست

◆ نکته‌های پایانی

که سی کنید ابیات را با دقت بخوانید و تا حدودی هم به مفهوم و م نای آن توجه کنید. برخی از آرایه‌ها با توجه به مفهوم (و ب ضمیم) موقعاً فقط با م نی و مفهوم! مشخص می‌شوند

که برای تشبيه به «اضافه‌ی تشبيهی» و برای است ماره به «اضافه‌ی است ماری» توجه ویژه داشته باشید

که تسلط به کنایه‌ها و است ماره‌ها رایج و ایهام‌های مطرح شده در کتاب درسی نیز مفید است

که در برخی از سوالات می‌توان با انتخاب یک یا دو آرایه‌ی مناسب برای بررسی، به حذف گزینه‌ها پرداخت و سریع‌تر به جواب

رسید. این آرایه‌ها ترجیحاً موارد پرکاربردی مثل تشبيه و است ماره نباشند. مثلاً در سوال ۵ تلمیح و کنایه ترجیح دارد. یا در سوال ۷

پارادوکس. البته در سوال ۸ همه‌ی موارد تقریباً پرکاربرد هستند!

پاسخ‌های کلیدی

(۳)-۴	(۱)-۳	(۴)-۲	(۲)-۱
(۴)-۸	(۴)-۷	(۱)-۶	(۲)-۵